

The indication of moral education in semantics "must" from Kant and theologians of justice Perspective

Fakhteh Mahini, Alireza yousefy, Seyyed Hashem Golestani, Narges Keshtiaray

¹PhD Graduated Student, Department of Educational Sciences, Isfahan (khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

²Associate Professor, Department of Medical Education, Medical Education Research Center, Isfahan University of Medical Science, Isfahan, Iran

³Professor, Department of Educational Sciences, Isfahan (khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

⁴Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Isfahan (khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract

Knowing the indication semantics of "must" in moral education from Kant and theologians of justice perspective gives better understanding about individual relationships in proportion to their values and duties. This research has done by linguistic and deductive analysis approaches with theoretical sampling method from all available literature as total numbering. The data has analyzed by using thematic, coding and deductive classification system. Results has shown that Kant is seeking essential and general knowledge for morality and achieving to this is only through wisdom and the motivation to do assignments. Theologians of justice believe that although wisdom can guide individual to know the musts, it's necessary to do actions for their ends. By establishing the ratio between "must" and goals of moral education, influenced factors on individual's practical conduct have been found. These components has extracted the indication of moral education in three domains, "goals", "teachers and parents role" and "individual role".

Keywords: must, moral education, assignments, Kant, theologians of justice

دلالت‌های تربیت اخلاقی معنا شناسی «باید» از منظر کانت و متکلمان عدلیه

فاخته ماهینی، علیرضا یوسفی، سید هاشم گلستانی، نرگس کشتی‌آرای
دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
دانشیار گروه آموزش پزشکی مرکز تحقیقات آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران
استاد گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

چکیده

آگاهی از دلالت‌های معنا شناسی مفهوم «باید» در تربیت اخلاقی از دیدگاه بشری کانت و دینی متکلمان عدلیه این امکان را به افراد می‌دهد که درباره روابط خود، متناسب با ارزش‌ها و تکالیفی که بر عهده دارند شناخت بهتری به دست آورند. این پژوهش با دو رویکرد تحلیل زبانی و تحلیل استنتاجی و به روش نمونه‌گیری نظری از کلیه متون در دسترس به صورت کل شمار انجام گرفت. داده‌ها به روش موضوعی، کدگذاری و با نظام مقوله بندی قیاسی تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد کانت در جستجوی معرفتی ضروری و کلی برای اخلاق است و دستیابی به آن را تنها از طریق عقل و به انگیزه انجام تکلیف میسر می‌داند. متکلمان عدلیه بر این باورند که اگر چه عقل می‌تواند در شناخت بایدها فرد را راهنمایی کند، اما در نظر گرفتن غایت اعمال است که انجام آنها را الزامی می‌نماید. با برقراری نسبت میان «باید» و هدف‌های تربیت اخلاقی، عوامل تأثیرگذار بر سلوک عملی فرد به دست آمد. این مؤلفه‌ها، دلالت‌های تربیت اخلاقی را در سه حوزه «هدف»، «نقش معلم و والدین» و «نقش فرد» به دست داد.

واژگان کلیدی: باید، تربیت اخلاقی، تکلیف، کانت، متکلمان عدلیه

مقدمه

مسأله محوری اخلاق هنجاری اصول، ملاک‌ها یا معیارهای اساسی است که باید به کمک آنها معین کنیم از نظر اخلاقی چه کاری باید انجام دهیم، چه چیزی اخلاقاً درست یا نادرست است و حقوق اخلاقی فرد کدامند. هدف فیلسوف اخلاق ایجاد نظامی است که به بهترین وجه، پایه احکام مبتنی بر شعور عادی را بیان کند و کل منسجم و یکپارچه‌ای به وجود آورد که بخش‌ها در آن با یکدیگر تضاد و تناقض نداشته باشند (Sullivan, 2010). مسائلی که به تبیین و تعریف مفاهیم اخلاقی می‌پردازند و حقیقت آنها را آشکار می‌کنند، به مسائل معنا شناختی مفاهیم اخلاقی معروف‌اند. فیلسوفان اخلاق، این مفاهیم را به دو دسته تقسیم می‌کنند؛ ارزشی مانند «خوب» و «بد» و الزامی یا تکلیفی مثل «باید» و «نباید»، «درست» و «نادرست» و «وظیفه» و «تکلیف» (Ahmadpoor, 2013). «باید» یکی از مفاهیمی است که جایگاه ویژه‌ای در تعیین ارزش‌ها و تربیت اخلاقی فرد دارد. همه افراد با این پرسش‌ها مواجهند که چه کاری را «باید» و چه کاری را «نباید» انجام داد. سؤالاتی که به رفتار و عملکرد انسان‌ها ارتباط دارد و منشأ پیدایش پرسش‌هایی اساسی شده است از جمله این که «خوب» و «بد» چیست و ملاک تشخیص آن کدام است؟ «باید» به چه معناست و از کجا به دست می‌آید؟ آیا اخلاق با علوم دیگری هم چون هنر، تربیت و دین ارتباط دارد؟ آیا «باید»‌ها از «هست»‌ها استنتاج می‌شوند؟ آیا «باید»‌ها اعتباری و نسبی‌اند یا ذاتی و مطلق؟

مفهوم «باید» را می‌توان از سه جنبه کلی معنا شناسی، هستی شناسی و معرفت شناسی مورد مطالعه قرار داد. این مقاله قصد دارد از جنبه معنانشناسی، ارتباط «باید» را با مفاهیمی همچون «وظیفه» یا «تکلیف»، «الزام» و «ارزش» از دیدگاه عقل‌گرای کانت (Kant) و دینی متکلمان عدلیه بررسی نماید و جایگاه آن را در تربیت اخلاقی مشخص نماید. تربیت اخلاقی به عنوان موضوعی که به دو حوزه اخلاق و تعلیم و تربیت مربوط می‌شود، بایدها و نبایدهایی را برای انسان تدارک می‌بیند و یکی از مهم‌ترین و در عین حال دشوارترین مباحث به شمار می‌رود چرا که این سازندگی درونی و اصلاح و تهذیب نفس است که در

سعادت فردی، اجتماعی، مادی و معنوی وی نقش بسزایی دارد. به همین دلیل لازم است که درک صحیحی از این بایدها و نبایدها به دست آید تا تربیت روحی و اخلاقی افراد که برای هر جامعه‌ای امری ضروری به نظر می‌رسد به نحو شایسته‌ای صورت گیرد. در این راستا باید اهداف تربیت اخلاقی مشخص باشد.

اگر چه در خصوص موضوع تحقیق حاضر مطالعات مشابهی صورت نپذیرفته است، اما درباره هدف‌های تربیت اخلاقی، اعلائی و همکاران (Alaee et al, 2012) هدف‌های تربیت دینی را در ده مورد خدانشناسی و خداپرستی، معرفی و تأیید نبوت، معرفی و تأیید قرآن و آموزه‌های آن، معرفی صاحبان خرد و ویژگی‌های آنها، یادآوری معاد، عبرت آموزی، کسب تقوا و تربیت افراد با تقوا، آموزش احکام الهی، ایجاد تفکر انتقادی و انتقاد از تفکر نادرست و مقایسه ارزش‌ها بر اساس معرفت عقلانی استنباط شده از آیات قرآن استخراج کرده‌اند. همچنین، اسلامیان و کشتی آرای (Eslamian & Keshtiaray, 2014) هدف‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون را به دو بخش هدف‌های فردی و اجتماعی و هدف‌های فردی را به هدف‌های جسمانی، هنری، اخلاقی و عقلانی تقسیم نموده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که معنای تربیت برای افلاطون با تربیت اخلاقی و رو کردن انسان به سوی امور ارزشمند معنا می‌یابد و در پرتو فهم و دانایی است که می‌توان به هنرهای بنیادی اخلاقی یعنی دانایی، دادگری، جرأت و خویشتن داری دست یافت. فارابی نیز به عنوان یک اندیشمند مسلمان، هدف‌های تربیت را به دو بخش غایی و وسطی تقسیم می‌کند.

هدف‌های غایی شامل شناخت و ایمان به خدا، قرب الهی و سعادت است و هدف‌های وسطی که دو بعد شناختی و اخلاقی دارد شامل تفکر و تأمل، تعقل و اعتدال است (Eslamian & Keshtiaray, 2014). پژوهش حاضر با بررسی دیدگاه‌های کانت و متکلمان عدلیه، در صدد پاسخ‌گویی به دو پرسش اصلی زیر است:

۱- از دو دیدگاه تکلیف‌گرایی بشری و دینی، «باید» اخلاقی به چه معنا است و چه نسبتی میان آن و مفاهیم «تکلیف»، «الزام» و «ارزش» برقرار است؟

قیاسی استفاده شد. برای افزایش اطمینان پذیری، محقق از ابتدای گردآوری اطلاعات نسبت به شناسایی منابع مرتبط با موضوع و جمع‌آوری و ثبت داده‌های آنها اقدام نمود و پس از آن با دسته بندی کردن اطلاعات، اقدام به مقوله بندی و عنوان دهی به مقوله‌ها و خرده مقوله‌ها کرد و به طور مداوم آنها را جهت اصلاح، مورد مقایسه و بازبینی قرار داد و به این طریق نسبت به صحت گزاره‌هایی که به عنوان یافته‌های تحقیق به دست آمد اطمینان حاصل نمود.

برای افزایش باورپذیری نیز پژوهشگر با استفاده از نظرات دو نفر از اساتید خارج از حوزه تحقیق، اقدام به برطرف نمودن نقاط کور تحقیق در خصوص روش و یافته‌ها کرد و هم‌زمان به مبتنی بودن یافته‌ها بر موضوع تحقیق به منظور ارزیابی صحیح از تحلیل و تفسیرها نیز نظر داشت.

یافته‌های پژوهش

۱- بررسی بافت مفهوم «باید»

الف- دیدگاه متکلمان عدلیه؛ برای درک بهتر مفهوم باید، ابتدا بافت جمله‌هایی که این مفهوم را در بر می‌گیرد بررسی می‌شود. در نتیجه تحلیل متن مرتبط با بافت جمله‌های حاوی «باید» از دیدگاه متکلمان عدلیه (جدول شماره ۱)، گزاره واقع نگر زیر درباره «باید» اخلاقی به دست می‌آید:

«باید بیانگر رابطه‌ای ضروری بین یک عمل و نتیجه آن است.»

ب- دیدگاه کانت؛ در نتیجه تحلیل متن مرتبط با بافت جمله‌های حاوی باید از دیدگاه کانت (جدول شماره ۱)، گزاره واقع نگر زیر درباره «باید» اخلاقی به دست می‌آید: «باید» بیانگر رابطه‌ای الزامی میان یک قانون و یک عمل است.»

۲- بررسی ارتباط «باید» با سایر مفاهیم

۱-۲- «تکلیف» و «باید»

الف- دیدگاه متکلمان عدلیه؛ پس از بررسی و مقوله بندی نظرات متکلمان عدلیه (جدول شماره ۲)، از ارتباط میان «تکلیف» و «باید»، گزاره واقع نگر زیر استخراج می‌شود:

«باید، ناشی از تکلیف طبق اراده الهی است.»

۳- معناشناسی «باید» از دو دیدگاه بشری و دینی چه دلالت‌هایی در تربیت اخلاقی دارد؟

روش پژوهش

تحلیل زبانی «باید»، از نوع تحلیل مفاهیم در زبان فنی و رسمی تعلیم و تربیت محسوب می‌شود (Bagheri, 2010)، زیرا مسأله از دیدگاه تربیتی کانت و متکلمان عدلیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این رویکرد، «مفاهیم به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا عناصر معنایی یک مفهوم با سایر مفاهیم که به نحوی با آن ارتباط دارند، مورد کاوش قرار گیرد» (Bagheri, 2008: 36). در قسمت اول، از جنبه معناشناسی ارتباط «باید» با مفاهیمی همچون «تکلیف»، «الزام» و «ارزش» از دیدگاه کانت و متکلمان عدلیه بررسی می‌شود. پژوهشگر برای تحلیل از دو شیوه استفاده می‌کند:

۱- بررسی بافت مفهوم؛ ۲- بررسی ترادف با کلمات یا عبارات (Bagheri, 2010). نتیجه این قسمت چهار گزاره واقع نگر درباره معنای باید از هر دیدگاه به دست می‌دهد. در قسمت دوم ابتدا با استفاده از روش شبکه معنایی، هدف‌های تربیت اخلاقی در دو دیدگاه تعیین می‌گردد، سپس با تشکیل قیاس‌هایی عملی از گزاره‌های واقع نگر فلسفی یا الهیاتی و هدف‌های تربیت اخلاقی بر اساس الگوی «الف ۲ ب ۲ ج ۱» از صورت بازسازی شده الگوی فرانکنا (Frankena) (شکل شماره ۱)، مؤلفه‌هایی مبتنی بر سلوک عملی فرد به دست می‌آید که بر اساس آنها دلالت‌های معناشناسی باید در حوزه مربوط به «هدف»، «نقش معلم و والدین» و «نقش فرد» در تربیت اخلاقی از نظر کانت به عنوان یک دیدگاه بشری و متکلمان عدلیه به عنوان یک دیدگاه دینی استخراج می‌گردد.

حوزه پژوهش کلیه متون مربوط به فلسفه اخلاق از دو دیدگاه کانت و متکلمان عدلیه بوده است که برای نمونه گیری از متون چاپی و دیجیتالی در دسترس و به صورت کل شمار استفاده شد.

با استفاده از روش نمونه گیری نظری و بر مبنای مرتبط بودن موردها با تحقیق، از هر دیدگاه موارد عینی برای مطالعه انتخاب شد. برای کدگذاری داده‌ها از روش کدگذاری موضوعی و برای تحلیل آنها از نظام مقوله بندی

نسبت «باید» و «الزام» (جدول شماره ۳)، گزاره واقع نگر زیر استخراج می‌شود:
 «فاعل به دستور عقل، باید یک عمل الزامی را انجام دهد»

۲-۳- «ارزش» و «باید»

الف- دیدگاه متکلمان عدلیه؛ گزاره واقع نگر ناظر به نسبت «باید» و «ارزش» از دیدگاه متکلمان عدلیه (جدول شماره ۴) به صورت زیر به دست می‌آید:
 «برای رسیدن به کمال باید مطابق با ارزش‌ها عمل کرد».

ب- دیدگاه کانت؛ گزاره واقع نگر ناظر به نسبت «باید» و «ارزش» از دیدگاه کانت (جدول شماره ۴) به صورت زیر به دست می‌آید:
 «اراده نیک به عنوان بالاترین ارزش، منشأ باید است».

ب- دیدگاه کانت؛ پس از بررسی نظرات کانت (جدول شماره ۲)، گزاره واقع نگر زیر مبنی بر ارتباط میان «تکلیف» و «باید» استخراج می‌شود:
 «باید، ناشی از تکلیف طبق امر مطلق است».

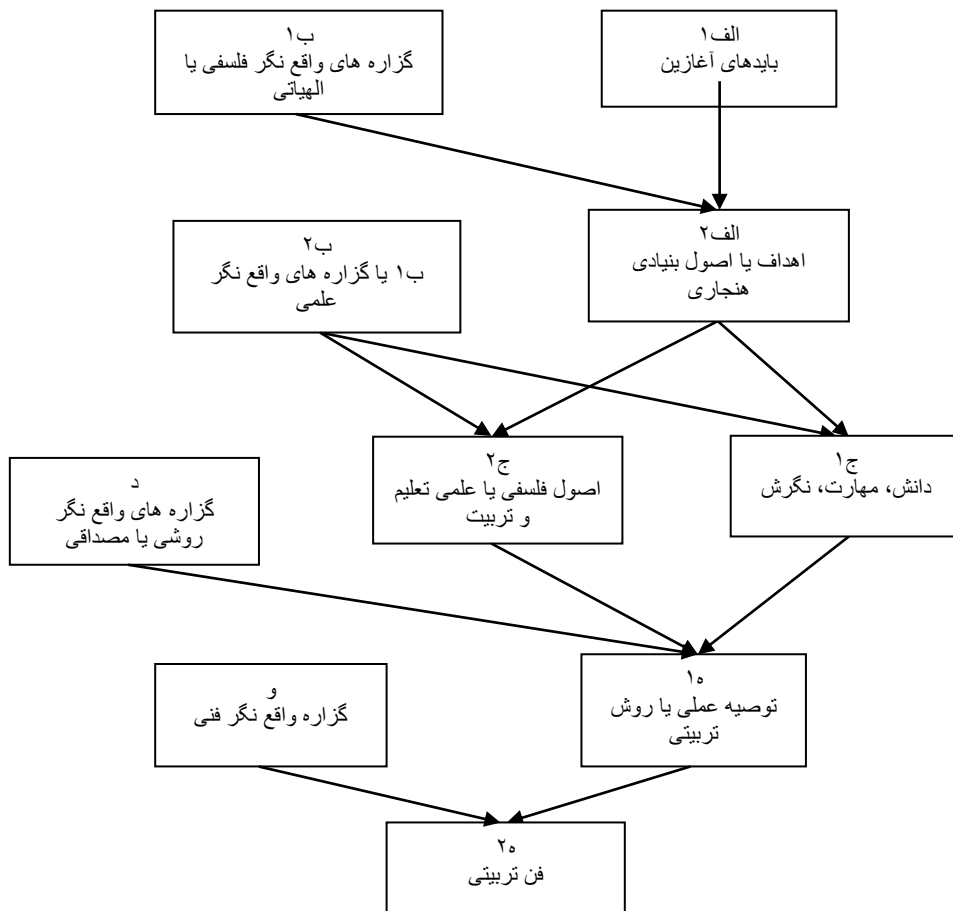
۲-۲- «الزام» و «باید»

الف- دیدگاه متکلمان عدلیه؛ پس از مرور نظریه‌های مختلف متکلمان عدلیه در خصوص نسبت «باید» و «الزام» (جدول شماره ۳)، نظریه بالقیاس و بالغیر را که از سایرین موجه‌تر و کامل‌تر به نظر می‌رسد می‌توان به عنوان گزاره نهایی برگزید:

«باید، نشان دهنده ارتباطی ضروری میان انجام فعل توسط فاعل و نتیجه است».

ب- دیدگاه کانت؛ پس از مرور نظر کانت در خصوص

شکل ۱ - صورت بازسازی شده الگوی فرانکنا (Bagheri, 2010: 123)



آموزش و تربیت اخلاقی را در نظر گرفت. تربیت اخلاقی، برترین و بلند مرتبه‌ترین مرحله تربیت است و هرچند مرتبه‌های پیشین لازم هستند، اما همگی به منزله مقدمه‌ای برای آن به شمار می‌آیند. تربیت اخلاقی از نظر کانت به عنوان بالاترین مراتب تربیت هر فرد، دارای هدفی اصلی و غایی است که عبارت است از تشکیل منش یا رسیدن به خودآیینی. این هدف شامل سه هدف جزئی‌تر است که عبارتند از اطاعت، صداقت و حسن معاشرت (Kant, 1984). هدف غایی و هدف‌های جزئی تربیت اخلاقی از نظر کانت در شکل شماره ۳ نشان داده شده است.

۴- دلالت‌های معنا شناسی «باید» در تربیت اخلاقی با تشکیل قیاس‌هایی عملی از هدف‌های تربیت اخلاقی (شکل‌های شماره ۲ و ۳) و گزاره‌های واقع نگر به دست آمده از جنبه معنا شناسی «باید»، مؤلفه‌هایی مبتنی بر سلوک عملی فرد به دست می‌آید (مطابق جدول شماره ۵). از دیدگاه متکلمان عدلیه این مؤلفه‌ها عبارتند از عمل طبق دستورات الهی، عمل بر اساس ارزش‌ها، عمل طبق تکالیف و با توجه به ضرورت دستیابی به نتیجه. از دیدگاه کانت این مؤلفه‌ها عبارتند از عمل طبق قانون، طبق دستور عقل، بر اساس ارزش‌ها و طبق تکالیف. این مؤلفه‌ها، دلالت‌های تربیت اخلاقی فرد را در سه حوزه مربوط به «هدف»، «نقش معلمان و والدین» و «نقش فرد» مطابق جدول شماره ۶ به دست می‌دهد.

۳- هدف‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه متکلمان عدلیه و کانت

الف- دیدگاه متکلمان عدلیه

انسانی که به روش اسلامی تربیت می‌شود باید موجودی «اخلاقی» بار آید و این یکی از ارکان تعلیم و تربیت اسلامی است (Motahari, 1992). متکلمان عدلیه معتقدند که تربیت اخلاقی به عنوان یکی از جنبه‌های مهم تربیت هر فرد، دارای یک هدف نهایی است که همانا رسیدن به کمال و سعادت یعنی توحید و قرب الهی است (Motahari, 1987; Tousi, 1981). اما برای رسیدن به این هدف غایی باید از هدف‌های واسطی که زمینه دستیابی به آن هدف نهایی هستند عبور کرد. این هدف‌های واسطی در چهار دسته خدا محور، فرد محور، با محوریت دیگران و طبیعت محور قرار می‌گیرد (Research Institute of Hawzah & University, 2007) که هر دسته از این هدف‌های واسطی خود هدف‌های جزئی‌تری را شامل می‌شوند. هدف‌های غایی و واسطی تربیت اخلاقی و ارتباطی که با هم دارند در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

ب- دیدگاه کانت

انسانیت هدف غایی زندگی است و از آنجایی که رمز بزرگ بهبود طبیعت آدمی در تربیت وی نهفته است، برای رسیدن به این منظور باید چهار مرحله پرورش، تأدیب،

جدول ۱ - مفاهیم هم دسته شده مربوط به بررسی بافت مفهوم «باید» از دیدگاه متکلمان عدلیه و کانت

مقوله به دست آمده	مفاهیم هم دسته شده	جملات استخراج شده	
ضرورت رابطه بین یک عمل و نتیجه آن	<p>- در قضایای غیر اخلاقی، ضرورت عمل الف برای رسیدن به نتیجه ب</p> <p>- در قضایای اخلاقی، ضرورت عمل الف برای رسیدن به نتیجه ب</p>	<p>- واژه «باید» گاهی در قضایایی به کار می‌رود که جنبه ارزشی ندارند، مانند توصیه معلم در آزمایشگاه به دانش آموز: «باید کلر و سدیم را با هم ترکیب کنی تا نمک طعام بدست بیاید» یا پزشکی به بیماری می‌گوید «باید از این دارو استفاده کنی تا بهبود یابی» (Omid, 1998).</p> <p>- گزاره‌هایی مانند «راستگویی باید کرد» وجود دارند که بار ارزشی و اخلاقی دارند. «باید» اخلاقی چنین است که فعل «الف»، غایت «ب» را الزام می‌کند و غایت «ب»، فعل «الف» را ضروری می‌سازد (Omid, 1998).</p>	متکلمان عدلیه

<p>الزام رابطه میان یک قانون و یک عمل</p>	<p>- در جملات دستوری، رابطه‌ای امکانی میان یک قانون و یک خواست - انجام عمل ب طبق قانون الف</p>	<p>- همه گزاره‌های دستوری، حاوی واژه «باید» هستند و بر وجود رابطه میان یک قانون با یک خواست (نیت یا اراده) دلالت می‌کنند. (Kant, 1990) - از نظر کانت، رابطه میان قانون و عمل، تکلیف است چون عمل مورد نظر فقط تحت تأثیر قانون قرار ندارد و این رابطه بر اساس تکلیف الزامی می‌شود: «طبق قانون الف، باید عمل ب را انجام داد». (Avani, 2011)</p>	<p>کانت</p>
-------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------

جدول ۲ - مفاهیم هم دسته شده مربوط به بررسی ارتباط «تکلیف» و «باید» از دیدگاه متکلمان عدلیه و کانت

مقوله‌های به دست آمده	کد مفاهیم هم دسته شده	جملات استخراج شده	
<p>یک عمل الزامی</p>	<p>- الزام یک عمل در شرایط معین اخلاقی - عملی امکانی با آگاهی فرد نسبت به شرایط الزامی شدن آن</p>	<p>- مسأله تکلیف با «باید»ها و «نباید»ها مرتبط و ناظر بر عمل است و می‌گوید در شرایط معین کار درست، اخلاقی یا بحق چیست (Great Islamic Encyclopedia, 2014) - معتزلی، حقیقت تکلیف را اعلام و شناساندن تکلیف کننده دانسته است که وی را آگاه می‌سازد، می‌تواند کاری را که به نفع اوست انجام دهد یا آنچه را به زیان اوست ترک کند، مشروط به اینکه فعل و ترک مزبور با مشقت همراه باشد و به مرز اجبار نرسد (Rabbani Golpayegani, 2005)</p>	<p>متکلمان عدلیه</p>
<p>اراده الهی به صورت باید (و نباید)</p>	<p>- امر و نهی اراده الهی در قالب تکالیف</p>	<p>- امامیه و معتزله، حقیقت تکلیف را اراده تشریحی الهی می‌داند که از طریق امر و نهی بیان می‌شود و غرض از تکالیف الهی را پاداش اخروی می‌دانند (Rabbani Golpayegani, 2006).</p>	
<p>وظیفه درونی عام و مخالف میل</p>	<p>- وظیفه اخلاقی درونی - عمومیت داشتن برای همه در شرایط یکسان - نفی کننده امیال</p>	<p>- دو معنا از وظیفه وجود دارد. وظیفه‌ای که از بیرون بر فرد تحمیل می‌شود و فاقد ارزش اخلاقی است و وظیفه‌ای که از درون بر وی تحمیل می‌شود. این وظیفه که اخلاقی است تکلیف نام دارد (Kant, 1990) - از نظر کانت، چیزی که برای یک شخص تکلیف است، برای هر کس دیگری که در وضعیت و موقعیتی مثل او باشد، باید تکلیف اخلاقی باشد (Avani, 2011). - عملی که طبق قانون اخلاق وجهه عملی عینی دارد، با طرد هر نوع میل به عنوان منشأ عمل، تکلیف (Kant, 1997).</p>	<p>کانت</p>

<p>عملی ضروری از سوی امر مطلق به شکل «باید»</p>	<p>– اعمال فرد در صورت پیروی از قوانین عینی و فرمان عقل – گزینش آزاد و اجباری از سوی امر مطلق به شکل «باید»</p>	<p>– اگر عقل به تنهایی نیت را مشخص نکند و نیت تابع انگیزه‌های دیگری نیز باشد، آن گاه کارهایی که از لحاظ عینی ضروری شناخته می‌شوند، از لحاظ ذهنی محتمل هستند و تعیین چنین نیتی بر طبق قوانین عینی، صورت تکلیف پیدا می‌کند (Kant, 1990). – مفهوم تکلیف فی‌نفسه، یک گزینش آزاد و اجباری به موجب قانون درونی و خودآیینی است. دستور اخلاقی این اجبار از طریق امر مطلق که تعیین کننده وظایف هر فاعلی است و قوانین آن شکل دستوری دارند و مطلق بوده و مشروط به چیزی نیستند، اظهار می‌گردد (Scruton, 1996).</p>	<p>کانت</p>
---------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------

جدول ۳ - بررسی ارتباط «الزام» و «باید» از دیدگاه متکلمان عدلیه و کانت

مقوله‌های به دست آمده	مفاهیم هم دسته شده	جملات استخراج شده	
<p>ضرورت بالتیاس و بالتغیر میان فعل از جنبه صدور از فاعل و هدف</p>	<p>–</p>	<p>مفهوم «باید» و «نباید» ضرورت بالتیاس و بالتغیر است. بین فعل و نتیجه آن رابطه علی و معلولی برقرار است ولی فعل دو جنبه دارد: جنبه فی‌نفسه و جنبه صدور از فاعل؛ رابطه علی بین فعل فی‌نفسه و نتیجه باعث رابطه علی بین فعل از جنبه صدور از فاعل و نتیجه می‌شود و این ضرورت بالتیاس دوم مفهوم باید و نباید است. مفهوم باید و نباید ضرورت بالتیاسی است که از آن مقدمه استنتاج شده و به همین دلیل بالتیاس و بالتغیر است (Mo'allemi, 2006).</p>	<p>متکلمان عدلیه</p>
<p>الزامی شدن عمل طبق دستور عقل</p>	<p>– ضرورت ناشی از دستور مطلق عقل – ضروری شدن یک عمل ممکن به دستور عقل</p>	<p>«الزام عبارت است از ضرورت یک فعل اختیاری تحت دستور مطلق عقل. دستور، یک قاعده عملی است که به موجب آن یک عمل ذاتاً ممکن، ضروری می‌شود» (Kant, 2004).</p>	
<p>انجام عمل الزامی توسط فاعل با اراده، به صورت «باید»</p>	<p>– انجام عملی الزامی توسط اراده – ضرورت عملی بر اساس اصل عینی اخلاق و به صورت «باید»</p>	<p>– «رابطه چنین اراده‌ای که کاملاً نیک نیست با قانون اخلاق، رابطه وابستگی تحت عنوان الزام است که دلالت بر ضرورت یک عمل می‌کند که وظیفه نامیده می‌شود» (Kant, 1997). – شخص ملزم است بر اساس تکلیف عمل کند و آزادانه این الزام را بر خود ایجاد نماید. ضرورت عمل کردن بر اساس اصل عینی اخلاق، ضرورت عملی نامیده می‌شود (Kant, 1990). ضروری بودن یک عمل به این معناست که در اختیار فاعل نیست که اگر خواست آن را انجام دهد یا انجام ندهد بلکه «باید» آن را انجام دهد (Avani, 2011).</p>	<p>کانت</p>

گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی مربوط به بررسی بافت مفهوم «باید» از دیدگاه متکلمان عدلیه عبارت است از: «باید بیانگر رابطه‌ای ضروری بین یک عمل و نتیجه آن است» و از دیدگاه کانت: «باید بیانگر رابطه‌ای الزامی میان یک قانون و یک عمل است». گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی مربوط به بررسی ارتباط «تکلیف» و «باید» از دیدگاه متکلمان عدلیه عبارت است از: «باید ناشی از تکلیف طبق اراده الهی است» و از دیدگاه کانت: «باید، ناشی از تکلیف طبق امر مطلق است».

جدول ۴ - مفاهیم هم‌دسته شده مربوط به بررسی ارتباط «ارزش» و «باید» از دیدگاه متکلمان عدلیه و کانت

مفاهیم استخراج شده	کد مفاهیم هم‌دسته شده	جملات استخراج شده	
هر چیز ذاتاً درست و سازگار با عقل	- ذاتی بودن ارزش افعال - هر چیز سازگار با عقل - هر چیز درست یا موجب ستایش	- ارزش افعال ذاتی است، یعنی یک نوع فعل، فی‌نفسه و با صرف نظر از اعتبار معتبر، مقتضی وصول به کمال مطلوب و یا دوری از آن است (Sharifi, 2009). - ارزش یعنی سازگاری با طبع یا قوه عقل (Mo'allemi, 2006). - ارزش یعنی درستی و یا موجب ستایش یا ثواب (Mo'allemi, 2006).	متکلمان عدلیه
هر چیز متناسب با کمال	- آنچه باعث رسیدن به کمال مطلوب است - کمال - هر چیز متناسب با کمال مطلوب	- احکام مشتمل بر خوب، بیان‌کننده رابطه‌ای حقیقی و واقعی میان افعال اختیاری انسان و کمال مطلوب اویند (Sharifi, 2009). - ارزش یعنی کمال؛ به‌طور مثال، «عدل خوب است» یعنی «عدل، کمال یا باعث کمال است» (Mo'allemi, 2006). - ارزش یعنی تناسب با کمال مطلوب؛ «عدل خوب است»، یعنی متناسب الاجزا یا متناسب با کمال مطلوب انسان است (Mo'allemi, 2006).	
مفهومی بدیهی و بی‌نیاز از تعریف	مفهومی بدیهی و بی‌نیاز از تعریف	ارزش یا خوب مفهومی بدیهی است (Mo'allemi, 2006).	
بالاترین ارزش بودن اراده نیک	-	هیچ چیز در جهان و حتی بیرون از آن نمی‌توان در نظر آورد که بی‌قید و شرط خوب دانسته شود، مگر نیت یا اراده خوب (Kant, 1990).	کانت
اراده نیک به عنوان منشأ وظیفه اخلاقی (تکلیف)	-	عمل به آن فعلی وظیفه اخلاقی فرد است که از اراده نیک سرچشمه گرفته باشد و این وظیفه را هیچ کس دیگری جز خود فرد برای او تعیین نمی‌کند (Korsgaard, 2000).	
ایجاد اراده ذاتاً نیک توسط عقل	-	نیت خوب نه به دلیل آثار یا شایستگی اش برای رسیدن به هدفی مطلوب، خوب یا ارزش دانسته می‌شود، بلکه صرفاً به حکم اراده‌ای که موجب آن شده، یعنی به خودی خود خوب است. چون عقل به عنوان قوه‌ای عملی که باید بر نیت (اراده) ما مؤثر شود به ما ارزانی شده است، پس هدف راستین عقل می‌بایست پدید آوردن نیتی باشد که در ذات خود خوب باشد (Kant, 1990).	

دلالت‌های تربیت اخلاقی معنا شناسی «باید»... / ۱۰۱

گزاره‌های واقع نگر فلسفی یا الهیاتی مربوط به بررسی ارتباط «ارزش» و «باید» از دیدگاه متکلمان عدلیه عبارت است از: «رسیدن به کمال، عمل کردن مطابق با ارزش‌ها است» و از دیدگاه کانت: «اراده نیک به عنوان بالاترین ارزش، منشأ باید است».

گزاره‌های واقع نگر فلسفی یا الهیاتی مربوط به بررسی ارتباط «الزام» و «باید» از دیدگاه متکلمان عدلیه عبارت است از: «باید، نشان دهنده ارتباطی ضروری میان انجام فعل توسط فاعل و نتیجه است» و از دیدگاه کانت: «فاعل به دستور عقل، یک عمل الزامی را انجام می‌دهد».

شکل ۲ - اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه متکلمان عدلیه

هدف غایی تربیت اخلاقی: کمال (رسیدن به قرب الهی)			
هدف‌های واسطی			
هدف ۴ با محوریت طبیعت	هدف ۳ با محوریت دیگران	هدف ۲ با محوریت خود فرد	هدف ۱ با محوریت خدا
۱- حفظ محیط‌زیست و طبیعت ۲- بهره‌مندی صحیح از مواهب طبیعت ۳- رحم به حیوانات	۱- آنچه را برای خود نمی‌پسند، برای دیگران هم نپسندند ۲- گرایش و توجه به دیگران ۳- احترام به حقوق دیگران و حق شناسی ۴- احساس مسئولیت ۵- حیا ۶- آداب معاشرت ۷- اطاعت از والدین و معلمان و احترام به آنها ۸- عفو و گذشت	۱- گوش دادن به نداهای وجدان ۲- سخا ۳- عفت ۴- حلم ۵- شجاعت ۶- کرامت ۷- گرایش به تحصیل علم و حکمت ۸- پرهیز از دروغ گویی	۱- اطاعت و پرستش ۲- سپاسگزاری از نعمت‌ها

شکل ۳ - اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت

هدف غایی تربیت اخلاقی: تشکیل منش (رسیدن به خودآیینی)		
هدف‌های جزئی		
هدف ۳ حسن معاشرت	هدف ۲ صداقت	هدف ۱ اطاعت
۱- محترم شمردن و رعایت حقوق دیگران ۲- بلندی طبع ۳- خیرخواهی ۴- شفقت همراه با خوش رویی	۱- درک ارزش باطنی اعمال ۲- موافقت با خویشین ۳- تقوی	۱- احترام به خود ۲- آگاهی نسبت به شأن و مقام انسانی خویش ۳- حفظ شرافت اخلاقی ۴- بیزارگی از سرکشی و حماقت ۵- ترس از وجدان خویش ۶- انجام تکلیف نسبت به خود و دیگران

جدول ۵ - قیاس‌های عملی از دیدگاه متکلمان عدلیه و کانت

دیدگاه متکلمان عدلیه	قیاس عملی ۱	مقدمه ۱	هدف	باید هدف‌های تربیتی خدامحور، فرد محور، با محوریت دیگران، طبیعت محور را پرورش داد.
		مقدمه ۲	گزاره واقع نگر ۱	«باید» (هدف‌های تربیت اخلاقی)، بیانگر رابطه‌ای ضروری میان یک عمل و نتیجه آن است.
		نتیجه	سلوک عملی ۵	باید عمل را با توجه به ضرورت دستیابی به نتیجه انجام داد.
	قیاس عملی ۲	مقدمه ۱	هدف ۱	باید هدف‌های تربیتی خدا محور (پرستش و سپاسگزاری) را پرورش داد.
		مقدمه ۲	گزاره واقع نگر ۲	باید (پرستش و سپاسگزاری خدا)، ناشی از تکلیف طبق اراده الهی است.
		نتیجه	سلوک عملی ۳	باید طبق تکلیف عمل کرد.
	قیاس عملی ۳	مقدمه ۱	هدف	باید هدف‌های تربیتی خدامحور، فرد محور، با محوریت دیگران، طبیعت محور را پرورش داد.
		مقدمه ۲	گزاره واقع نگر ۳	«باید» (هدف‌های تربیت اخلاقی)، نشانگر ارتباطی ضروری میان انجام فعل توسط فاعل و نتیجه است.
		نتیجه	سلوک عملی ۶	باید در انجام اعمال، غایت آن را در نظر گرفت.
	قیاس عملی ۴	مقدمه ۱	هدف ها	باید هدف‌های تربیتی خدا محور، فرد محور، با محوریت دیگران و طبیعت محور را پرورش داد.
		مقدمه ۲	گزاره واقع نگر ۴	رسیدن به کمال (هدف‌های تربیت اخلاقی) مستلزم عمل طبق ارزش‌هاست .
		نتیجه	سلوک عملی ۲	باید طبق ارزش‌ها عمل کرد.
دیدگاه کانت	قیاس عملی ۱	مقدمه ۱	هدف ۱	باید اطاعت کردن را آموخت.
		مقدمه ۲	گزاره واقع نگر ۱	«باید»، بیانگر رابطه‌ای الزامی میان یک قانون و یک عمل است (هر اطاعتی عمل طبق قانون است).
		نتیجه	سلوک عملی ۱	باید ملزم به اطاعت از قانون شد.
	قیاس عملی ۲	مقدمه ۱	هدف ۱	باید اطاعت کردن را آموخت.
		مقدمه ۲	گزاره واقع نگر ۲	«باید» ناشی از تکلیف طبق امر مطلق است (هر اطاعتی عمل طبق تکلیف است).
		نتیجه	سلوک عملی ۲	باید طبق تکلیف عمل کرد
	قیاس عملی ۳	مقدمه ۱	هدف ۱، ۲، ۳	باید اطاعت کردن، صداقت و حسن معاشرت را آموخت.
		مقدمه ۲	گزاره واقع نگر ۳	فاعل به دستور عقل باید یک عمل الزامی را انجام دهد (اعمال ناشی از اطاعت، صداقت و حسن معاشرت به دستور عقل انجام می‌شود).
		نتیجه	سلوک عملی ۳	باید از دستورات عقل پیروی کرد.
	قیاس عملی ۴	مقدمه ۱	هدف ۲	باید صداقت را آموخت.
		مقدمه ۲	گزاره واقع نگر ۴	اراده نیک به عنوان بالاترین ارزش منشأ «باید» است (اراده نیک منشأ صداقت است).
		نتیجه	سلوک عملی ۴	باید مطابق با اراده نیک عمل کرد.

دلالت‌های تربیت اخلاقی معنا شناسی «باید»... / ۱۰۳

آنچه از جدول شماره ۵ به دست آمد، در حقیقت مؤلفه‌های فرد در سه حوزه مربوط به «هدف»، «نقش معلمان و تأثیرگذار بر سلوک عملی فرد است که بر تربیت اخلاقی والدین» و «نقش فرد» دلالت دارد.

جدول ۶ - دلالت‌های امروزی تربیت اخلاقی با توجه به یافته‌های تحقیق

دیدگاه بشری (کانت)			دیدگاه دینی (متکلمان عدلیه)			مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سلوک عملی فرد
نقش فرد	نقش معلم و والدین	هدف	نقش فرد	نقش معلم و والدین	هدف	
-	-	-	شناخت خداوند و عمل طبق دستورات الهی	آموزش مفهوم خدا و مسائل دینی	پرستش و سپاسگزاری خداوند	عمل طبق دستورات الهی
پیروی از اصل‌های عقلانی	آموزش انضباط، صداقت و حسن معاشرت	خودآیینی	-	-	-	عمل طبق دستور عقل
درک ارزش‌ها و پیروی از آنها	آشنا نمودن فرد با اراده نیک	صداقت	درک ارزش‌ها و پیروی از آنها	آموزش مفهوم خدا، روابط اجتماعی و تعامل با طبیعت	رسیدن به کمال	عمل بر اساس ارزش‌ها
انضباط پذیری و عمل به تکالیف	آموزش انضباط	اطاعت	عمل طبق تکالیف	تربیت دینی	پرستش و سپاسگزاری خداوند	عمل طبق تکالیف
-	-	-	در نظر گرفتن نتیجه هر عمل	آموزش مسائل با توجه به هدف آنها	رسیدن به سعادت	عمل با توجه به ضرورت دستیابی به نتیجه
پیروی از قوانین	آموزش اهمیت و ضرورت قوانین	اطاعت	-	-	-	عمل طبق قانون

بحث و نتیجه‌گیری

مبنای نظری این مطالعه، دیدگاه بشری و عقل‌گرای کانت در اخلاق تکلیف‌گرا و دیدگاه دینی و کلامی عدلیه در خصوص تکلیف‌گرایی اخلاقی است. کانت در جستجوی معرفتی ضروری و کلی برای اخلاق است و دستیابی به آن را تنها از طریق عقل و به انگیزه انجام تکلیف میسر می‌داند. از نظرگاه دینی، با وجود آنکه عقل یکی از ابزارهای لازم برای شناخت و درک تکالیف است، اما دین بهترین ضمانت اجرایی در فراگیر شدن پایبندی به اصول اخلاقی است.

شباهت کانت و متکلمان عدلیه در این است که هر دو دیدگاه تکلیف را به معنی محدود شدن اراده و آن را عملی می‌دانند که انجامش الزامی است. این محدودیت اراده در نظریه کانت توسط امر مطلق ایجاد می‌شود و در نظریه متکلمان عدلیه توسط امر الهی. از نظر کانت، عملی که ذاتاً ممکن است، به واسطه دستور و قانون اخلاقی ضروری و اجباری می‌شود و شخص «باید» آن را انجام دهد. تعیین اراده بر اساس قوانین عینی، تکلیف و «باید» عبارت است از الزام عملی توسط فاعل بدون در نظر گرفتن هر گونه هدف. این در حالی است که متکلمان عدلیه منشأ الزامات و حقیقت تکلیف را اراده الهی و عمل اخلاقی ضروری را با غایت خود در ارتباط مستقیم می‌دانند. از نظر ایشان، تکلیف دستور انجام «ارزش» را از طریق «باید» صادر می‌کند. «باید» یک ضرورت فلسفی است که در مقایسه با یک ضرورت دیگر الزامی می‌شود که حکایت از وجود ارتباط میان فعل انجام شده توسط فاعل و هدف دارد. یافته‌های تحقیق درباره جایگاه «باید» در تربیت اخلاقی نشان داد که شناخت ارزش‌ها و پیروی از بایدها چه در مکتب اخلاقی بشری و چه در مکتب الهی، بستگی زیادی به توانایی عقلانی افراد دارد. آنچه در هر دو دیدگاه دینی و بشری اشتراک دارد عمل بر اساس ارزش‌ها و طبق تکالیف است که در دیدگاه دینی محوریت اطاعت، امر الهی و در دیدگاه بشری این محوریت، امر مطلق ناشی از عقل است. هر کدام از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سلوک عملی فرد، دلالت‌های آشکاری برای تعلیم و تربیت دارد. آنچه در این رابطه می‌تواند به عنوان یک هدف ضروری در نظام‌های تعلیم و تربیت مد نظر قرار گیرد، پرورش عقل و هنرهای عقلی

(مانند استدلال، دقت، تعمق) است. فراهم شدن هر چه بیشتر این زمینه در حوزه آموزش و پرورش به فراگیران کمک می‌کند تا با استمداد از نیروهای عقلانی خویش به درک ارزش‌ها و ارزش‌گذاری صحیح مسائل بپردازند. در این صورت است که اختلاف نظرهای متعصبانه نیز به ویژه در حوزه مسائل دینی و اخلاقی به حداقل می‌رسد. در راستای رسیدن به هدف‌های تربیت اخلاقی، نه تنها خود فرد مسؤلیت به کارگیری عقل و پیروی از تکالیف را بر عهده دارد، بلکه معلمان نیز به عنوان مربیان تربیتی در نظام آموزش رسمی و والدین در نهاد خانواده لازم است که در تربیت فرزندان تلاش ویژه‌ای را برای فراهم کردن زمینه‌های رشد این ویژگی‌ها، توجه دادن آنها به ویژگی‌های طبیعت و پایبندی به اصول عقلانی برای درک ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای اخلاقی به کار گیرند.

منابع

Ahmadpoor, M. (2013). Islamic Sciences and Culture Academy (ISCA). <http://www.dte.ir/portal/home> [Persian].

Alaee, G.H; Golestani, S.H; Keshtiaray, N. (2012). The analysis of considered intellectual knowledge in verses of the Holy Quran based on Tafsir Almizan and its implications on the aims of religious education curriculum. Research in Curriculum Planning. 33, 20-37 [Persian].

Avani, Sh. (2011). Kantian ethics Duty-oriented or obligation-oriented. Speech at the Iranian Philosophical Society, <http://www.ipso.ir> [Persian].

Bagheri, Kh. (2008). An Introduction to Philosophy of Education of Iran. Volume 1. Tehran: Elmi & Farhangi [Persian].

Bagheri, Kh. (2010). Approaches and research methods in the philosophy of education. Tehran: Institute of Social and Cultural Studies [Persian].

Eslamian, M; Keshtiaray, N. (2014). Explanation of the components of the curriculum based on the educational approaches of Plato and

Sharifi, AH. (2009). What is good? Which is bad? Qom: Imam Khomaiini Educational and Research Institute [Persian].

Sullivan, R. J. (2010). Introduction to Kant's Ethics. translated by Fouladvand, E., Tehran: Tarh-e no [Persian].

Tousi, N. (1981). Naseri Ethics. Tehran: Khwarizmi [Persian].

Farabi. Research in Curriculum Planning. 40, 18-33 [Persian].

Great Islamic Encyclopedia (2014): <http://www.cgie.org.ir>.

Kant, I. (1984). Education. Translated by Shokouhi, Gh, Tehran: Tehran University [Persian].

Kant, I. (1990). Groundwork of the Metaphysics of Morals. Translated by Enayat, H. & Gheisari, A., Tehran: Khwarizmi [Persian].

Kant, I. (1997). Critique of Practical Reason. Translated and Edited by Gregor, M., Cambridge: Cambridge University Press.

Kant, I. (2004). The Doctrine of virtue: Part 2 Of the Metaphysics of Morals. Translated by Sanei Darrebidi, M., Tehran: Nagsh-o-Negar [Persian].

Korsgaard, C. (2000). Aristotle and Kant on the Source of Value. Translated by Javadi, M., Organon Journal. 16, 95-120 [Persian].

Mo'allemi, H. (2006). Ethics. Qabasat. 39 & 40, 93-108 [Persian].

Motahari, M. (1987). Philosophy of Ethics. Tehran: Sadra [Persian].

Motahari, M. (1992). Education in Islam. Tehran: Sadra [Persian].

Omid, M. (1998). Must and must not, goodness and badness. Kheradnameh Sadra. 12, 43-59 [Persian].

Rabbani Golpayegani, A. (2005). Philosophy of Obligation in 'Adliyah theologians view (1). Islamic theology. 56, 13-22 [Persian].

Rabbani Golpayegani, A. (2006). Philosophy of Obligation in 'Adliyah theologians view (2). Islamic theology. 57, 5-20 [Persian].

Research Institute of Hawzah & University (2007). Educational Aims of Islam. Produced by Arafati et al. Tehran: Samt [Persian].

Scruton, R. (1996). Kant. translated by Ali Paya. Tehran: Tarh-e no [Persian].